

آچارکشی

عالمی لک‌زد

• **بوریا عالمی**؛ محمود احمدی‌نژاد گفت: امروز به اسم نقد، با سنگ و لکد دولت من را می‌زنند. ما مطمئن هستیم منظور آقای احمدی‌نژاد ما نیستیم. چون ما از ۱۰ سال پیش هرروز داریم به‌صورت رسمی سنگ و لکد می‌زنیم و البته یکی، دوبار هم برعکس شد که عیبی ندارد. آقای احمدی‌نژاد حتما از دست دل‌پاسان ناراحت است. چون اینها تا دیروز با احمدی‌نژاد سلفی می‌گرفتند و نمک‌گیر هم بودند اما چندوقتی است که دل‌پاسان نمک را خورده و نمکدان را شکسته و تکه‌های شکسته نمکدان را هم دارند به سمت احمدی‌نژاد پرت می‌کنند. بله، وگرنه آقای احمدی‌نژاد نه از ما، نه از مردم، از هیچ‌کدام ناراضی نیست. واقعا با کارهایی که آقای احمدی‌نژاد کرد و سیاست خارجی و داخلی و اقتصاد و اینا را این‌طوری کرد، دوتا لکد مطبوعاتی‌زدن کمترین کاری بود که از دست ما برمی‌آمد. یعنی با اینکه ما می‌توانستیم چک و اینا بزنیمل ولی به لکد بسنده کردیم.

آقای احمدی‌نژاد در ادامه گفته: «امروز به دولت‌های من، هر کس هرچه در دست دارد می‌زند، یک نفر سنگ و دیگری لکد می‌زند، یکی با شمشیر و دیگری با نیزه می‌زند، درواقع از شش جهت هجوم آورده‌اند». آقای احمدی‌نژاد گفت: این نامردی است. چون فقط دولت من می‌توانست از سنگ و لکد و شمشیر و نیزه استفاده کند. راستش را بخواهید، ما هم جای آقای احمدی‌نژاد بودیم، واقعا دلخور می‌شدیم. هشت سال سفره را پهن کن از دهن این و آن و مردم بز بگذار دهان یک عده، بعد همین‌ها بیکهو بززن زیر همه‌چیز و جای دفاع، حمله کنند. به همین نان و نمکی که از سفره ما کم شد و به سفره رانت‌خواران اضافه شد قسم، خیلی نامردی است. ما می‌گوییم دل‌پاسان و این‌قبیل نفرات، باید رسم مردانگی را به‌جا آورند و کماکان از احمدی‌نژاد دفاع کنند. این بنده‌خدا را که دست تقدیر زده و همه الان باهاش دشمن شده‌اند، دوروبری‌هاش هم که یا رفتند ترکیه و کانادا بغل سلین‌دین، یا رفتن اوین آب‌خنک‌خوری، والله آدم ضعیف‌زدن ندارد و نقدکردن ندارد و لک‌زدن ندارد. اگر راست می‌گوید، هشت سال دولت‌داریش، جای گرفتن عکس سلفی، گاف‌هاش را می‌گرفتید که وضع ما این‌طوری نشود نه‌اینکه چشم‌هایتان را می‌بستید و هی از تصمیم‌های کترهای دولت نهم و دهم تعریف می‌کردید. اووووف. خیلی عصبانی شدیم ما برویم یک لکن آب خنک بیاوریم بنشینیم بخوریم که آرام شویم تا سخته نکرديم و لکد بیشتری نداشتیم. فعلا.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۹۴ • ۱۶ شوال ۱۴۳۶ • ۲ آگوست ۲۰۱۵ • سال دوازدهم • شماره ۲۳۶۱ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۸ • اذان صبح فردا ۴:۳۷ • طلوع آفتاب ۶:۱۳

روزانه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

حسن کریم زاده

www.karimzadehstudio.com



کارهای عقب‌مانده دولت

نبودکپی‌رایت ولغو کنسرت، تهدیدی برای موسیقی

این شکل که یک نهاد دستور برگزاری کنسرت را بدهد ولی نهاد یا افراد دیگری باشند که کنسرت را لغو کنند و مانع برگزاری آن شوند، هم به گروه‌های موسیقی و هم به فرهنگ جامعه آسیب می‌زند. مدیریت این موضوع باید توسط دولت انجام گیرد. دولت می‌تواند در این زمینه قاطعانه برخورد کند زیرا همان‌طور که اشاره شد، گروه‌های موسیقی اموراتشان را از طریق همین برگزاری کنسرت می‌چرخاند و لغو کنسرت یعنی پایان کار هنری. حتی می‌توان گفت امروز در ایران گروه‌های موسیقی کمترشناخته‌شده، نیاز به حمایت هم دارند و نه‌تنها باید اجازه داد این گروه‌ها کنسرت برگزار کنند و از طریق کپی‌رایت حمایتشان کرد بلکه دولت می‌تواند حمایت‌های دیگری نیز از آنها داشته باشد.

به نظر می‌رسد دولت‌ها نیز از مقابله با این معضل ناتوانند. باوجوداین دولت باید تلاش کند تا کپی‌رایت در ایران به رسمیت شناخته شود زیرا تنها فعالیت‌های هنری‌ای که برای اهالی موسیقی بازده مالی دارد، فروش آثار و برگزاری کنسرت است و به‌همین‌دلیل بدون پرداخت حق هنرمندان، کار آنها متوقف خواهد شد. از طرف دیگر رعایت‌نشدن کپی‌رایت باعث می‌شود دیگر کسی در حوزه هنر سرمایه‌گذاری نکند. بنابراین لازم است دولت در این زمینه اتاق فکر تشکیل دهد و برای رفع این معضل به اشکال مختلف تلاش کند. در زمینه برگزاری کنسرت‌ها نیز می‌توان گفت اعطای مجوز برای برگزاری با لغو یک کنسرت تنها باید زیرنظر یک نهاد و آن‌هم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باشد. این یک‌بام‌ودو‌هوايي در حوزه کنسرت‌های موسیقی به



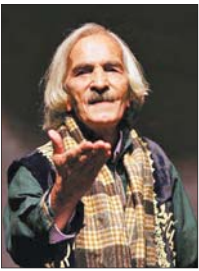
اردشیر کامکار
نوازنده

دولت پس از کسب موفقیت در عرصه بین‌المللی، در عرصه داخلی و در حوزه موسیقی باید روی دو مسئله متمرکز شود: کپی‌رایت و لغو کنسرت‌ها. امروزه به‌خاطر پیشرفت فناوری‌های ارتباطی و دسترسی همگان به اینترنت، رعایت کپی‌رایت نه‌تنها در ایران بلکه در کل جهان دچار چالش شده است. انتشار آثار هنرمندان در فضای مجازی به‌صورت رایگان و بدون پرداخت حق و حقوق آنها به یک معضل جدی برای تولیدکنندگان این عرصه تبدیل شده است و حتی گاهی

پرسه

جای خالی مرشد ترابی

پرده‌های نقالی بود. درست وقتی که دست‌هایت را به‌هم می‌کوبیدی و جان می‌گرفت قهوه‌خانه آذری تا به مردان و زنان نشسته در قهوه‌خانه بیاموزی که چه پر نیزه را» و «زهري که همیشه بوده». رستم تو، خودت بودی، مردان هم‌نسلت بودند و سهراب، همان نوجوان‌های خمار و بی‌کار و خسته‌ای که در انتظار ساقی، کوچه‌ها را متر می‌کردند. اینچنین شد که نامت نه‌فقط با شاهنامه که با دلسوزی برای نسلی که لای هیچ کتابی را باز نکرده گره خورد، شب‌ها در «آذری» یا بعدها در فرهنگسراها، دم می‌گرفتی و قصه پرغصه راه سخت انسان را تعریف می‌کردی از زبان شکل‌های نشسته روی پرده، حکایت حال آدمیزاد را می‌گفتی



و عصا می‌چرخاندی. رسم پهلوانی می‌آموختی که می‌دانستی، به‌زودی با همین راه‌آهن، قرار است به مقصدی ناممکن بروی. حالا درست روزی مثل فردا، دو سال می‌شود که نیستی، شکوه قهوه‌خانه اما همچنان پابرجاست اگرچه در حجره‌های آجری‌اش، جای یک چیز خالی است؛ جای تو، «ولی‌الله ترابی»، آقای مرشد تهران.

سعید برآبادی: «ولی‌الله»، جایث خالی است و زخم این فققدان در هیاهوی میدان راه‌آهن، درست آنجا که خروجی‌های مترو، بر همه‌همه شهر می‌افزایند، کم می‌شود. تو سال‌ها، زائر این خیابان‌ها بودی، از دروازه‌غار به قهوه‌خانه آذری، از خیابان‌های پایین شهر، دوباره به همان خیابان‌ها، تو زخم را دیده

بودی، پشت قوزکرده جوان‌هایی که در پس‌کوچه‌ها «می‌زنند» و «می‌کشند». تو دیده بودی، مادران خواب‌زده‌ای را که شش‌صبح با چشمان قرمز، منتظر «کرایه» هستند تا برای لقمه نانی بروند کارخانه. تو، صدای سوت قطارهای پشت‌سرهم صبحگاهی تهران را شنیده بودی که خالی به تبریز، خراسان، بندرعباس و اهواز می‌روند

و پیر از مسافر برمی‌گردند. تو حتی نشسته بودی با موهای نقره‌ای‌ات، دور میدان راه‌آهن و با جوان‌های آمده و آماده برای کار گپ زده بودی. به آنها گفته بودی که برگردند به خانه و کاشانه‌شان، به شهرشان، به زمینشان و لایذ، از خاطره سفیدآپ تفرش، گوشه چشمی هم تر کرده‌ای که آنجا وطنت بوده و حالا در واپسین سال‌های عمرت از وطن دوری. وطن تو اما لای

پیشنهاد فردا

- گروه موسیقی «بزرگراه»، با برگزاری کنسرتی یک‌روزه قرار است، نام‌های بزرگ راک دهه ۷۰ را زنده کند؛ نام‌هایی چون دیوید گیل‌مور، جیمی پیچ، گری مور، اریک کلپتون، ریچی بلکمور، مارک نافلر، بیلی کینز و... که شنیدن آهنگ‌های خاطره‌انگیز از آنها در قلب تهران می‌تواند یک سوپرایز آخر هفته‌ای باشد. این کنسرت پنجشنبه، پانزدهم مرداد در تالار ایوان شمس برگزار می‌شود و علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیه بلیت به «ایران کنسرت» مراجعه کنند.



- بیست و یکمین جشنواره انجمن حمایت از کودکان کار با عنوان «دست در دست هم برای کودکان کار»، پانزدهم و شانزدهم مردادماه در مجموعه تلاش تهران واقع در خیابان ولیعصر (عج) ترسیده به پارک وی برگزار خواهد شد. در این جشنواره بازارچه غذا، پوشاک، صنایع دستی و زیورآلات دایر است و می‌توانید برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد آن به نشانی اینترنتی انجمن حمایت از کودکان کار مراجعه کنید.



سامسونگ SAMSUNG

هم برشته، هم آبدار

تکنولوژی HotBlast™

برشته کردن سریع غذا، با حفظ تازگی و طعم اصلی مواد اولیه

مدل SAMI 14

نسل جدید مایکروفر سامی



کباب پزی تمام عیار – تکنولوژی PowerGrill Duo
امکان گریل کردن کامل و یک‌دست غذا

مدل‌های SAMI 12 و SAMI 14



مناسب برای انواع ظروف (تا قطر ۳۸ cm)

مدل‌های SAMI 12 و SAMI 14

فقط با ضمانت
۰۲۱-۸۲۵۵ سرویس

